

هگمتانه، گروه سبک زندگی – زهره پوروهایی:

«بین وقف و سبک زندگی اسلامی یک تعاطی شکل می‌گیرد و یکدیگر را به صورت مستقیم، بی‌بدیل و مؤثر تقویت می‌کنند یکی از تابلوهای اصیل و درخشان در سبک زندگی اسلامی که عامل تقویت‌کننده آن نیز هستست مسئله وقف است در واقع ما با گسترش وقف و موقوفات می‌توانیم دینداری مردم را تقویت کرده از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کنیم. در پژوهش در دانشگاه تهران دیدم سطح دینداری اهالی شهرها و روستاها با تعداد موقوفه‌های آن شهرها و روستاها ارتباط مستقیمی دارد در واقع مردم این مناطق از زندگی با امکانی در ارتباط هستند که بر اساس فرهنگی دینی به عموم مردم خدمات می‌دهند بررسی کرده‌اند و نتیجه این بوده که مردم این مناطق دیندار تر بوده‌اند به عبارت دیگر هر کدام از این دو مفهوم دیگری را باز تولید می‌کند.»

وقف به عنوان یک شیوه پویا و بازوی نیرومند، کارکردی مؤثر در ساماندهی امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، مذهبی و کالبدی جامعه برعهده گرفته است. بهره‌گیری بپینه از منابع و توانمندی‌های این نهاد مردمی که نسلأت گرفته‌از اعتقادهای دینی انسان است، می‌تواند منجر به رشد و توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه شود که نتیجه نهایی آن به یقین دستیابی به عدالت اجتماعی خواهد بود. موقوفات، در هر زمان و مکانی، تقریباً همه نیازهای جامعه را پوشش می‌دهند؛ به صورتی که در هر زمانی، خلأیی در بخشی از جامعه به وجود می‌آید، واقفان خیراندیش و آگاه در صدد پرکردن این خلأ، موقوفات جدید را ساماندهی می‌کنند. نهاد وقف علاوه بسر آثار فرهنگی، مذهبی، آموزشی، اقتصادی و اجتماعی، آثار جغرافیایی مهمی را همراه دارد. در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی بسیاری از عناصر کالبدی و چشم اندازهای جغرافیایی، درنتیجه اعتقاد به پدیده وقف پدیدار شده‌اند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت وقف راهبرد اقتصادی اسلام در خدمات‌رسانی آحاد مردم به جامعه اسلامی به صورت کاملا اختیاری و ارادی بدون اجبار حاکمیتی است اما آنچه که در گفتگوی ما با دکتر سسید محمد معصومی عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان به آن پرداخته شده است نسبت وقف و سبک زندگی اسلامی است.

***آقای دکتر معصومی در ابتدای گفتگو فرمایید راهبرد اسلام برای متدینین به این دین در حوزه اقتصادی چیست؟**

ما برای ادیان به ویژه اسلام قائل به‌ یک اصل هستیم و آن اینکه دین آمده است تا وسیله‌ای باشد

برای سعادت بشر چه در دنیا و چه در آخرت. اگر قرار باشد دین سعادت دنیایی را فدای دنیای دیگر بکند این نه دین کاملی است نه جذاب و نه قطع و یقین دینی است که جعل حضرت حق است ما این مدعی را داریم در ساحت مختلف زندگی انسان، انسانی که روی کسرہ زمین زندگی می‌کند جنبه‌ای از حیاتش در ساحت اقتصادی تعریف می‌شود لذا اسلام برای همه انسان‌ها چه مسلمان و چه غیر مسلمان تعریف و چارچوبی از حیات اقتصادی تعریف کرده است. وجود عبارات دینی مثل «کاد الفقر ان یکون کفراً» و یا «لا معاد لمن لا معاش له» نشان می‌دهد که اهمیت اقتصاد نه صرفا به عنوان یک مسئله در حیات اقتصادی بلکه به عنوان عاملی مؤثر بر حیات توحیدی فرد مسلمان احصا می‌شود. آیات قرآنی زیادی به مسائل اقتصادی، مالیات‌ها و محارم اقتصادی اختصاص یافته است و در فقه که در واقع چارچوب رفتاری مسلمانان را مشخص کرده و سبک زندگی یک مسلمان تبیین می‌شود ما شاهد یک باب برطلمطراق و میسوط درباره حیات اقتصادی مسلمانان هستیم به عنوان باب مکاسب که به مسائل اقتصادی که با زندگی فردی و اجتماعی یک مسلمان مرتبط است مطرح می‌کند.

***شما در بیان سوال نخست اشاره کردید که دست اسلام در تدبیر حیات اقتصادی مسلمانان پر است حال این سوال مطرح می‌شود در اقتصاد اسلامی فرد مهم است یا جمع؟ این سوال یک پیش فرض دارد و آن این است که نزد خداوند که جعل‌کننده شرع اسلام است آیا اقتصاد هدف است یا وسیله؟ یعنی از منظر اسلام اقتصاد موضوعیت دارد یا طریقت؟ به نظر من پاسخ به این سوال ارتباط مؤثری با پرسش شما دارد که اقصاد جمع محور است یا فرد محور؟**

در فلسفه اقتصاد یک بحث وجود دارد و آن اینکه آیا انسان آمده است که خود را فدای اقتصاد و ثروت‌اندوزی کند مثل آنچه که در مکتب لذت‌گرایی آمده است یا نه در سلوکی در کره زمین دارد قرار است محقق‌کننده اهداف الهی باشد. آیا اقتصاد در این تعریف وسیله است و هدف چیز دیگری است یا نه؟ دو نظر تندگرایانه داریم که یکی می‌گوید اقتصاد هدف است که در بادی امر رد می‌شود و دیگری می‌گوید اقتصاد وسیله است که با آن رویکرد سعادت طلبی انسان نمی‌خورد به نظر می‌رسد بهترین

استاد معارف دانشگاه علوم پزشکی همدان:

وقف و سبک زندگی اسلامی ایرانی سبب بازتولید یکدیگر می‌شوند

هیچ فشار بیرونی خود در موعد معینی بخشی از مالش را می‌پردازد و از ثروتش برای اجتماع هزینه می‌کند. این نوع مالیات به هیچ وجه ضمانت اجرایی و بگیر و ببند دولتی ندارد. فرد خودش با فراغ بال برای کمک به سایر اقشار جامعه اقدام می‌کند.

***اما آنچه که از فضای جامعه اسلامی استنباط می‌شود مذموم بودن ثروت اندازی و تمول است شما با این نتیجه‌گیری موافقت؟**

نه، اتفاقاً شهید مطهری یکی از انحرافات جامعه اسلامی که بر اثر فعالیت فرق صوفیه رخ داده است را در این زمینه تبیین می‌کند. پارادایمی که شهید مطهری در این زمینه ارائه می‌دهد این است که برای ما اینگونه جا افتاده که هر کس ثروت اندوزی کند و در این مال تصرف نماید مذموم است و در افواه عمومی هم وجود دارد که افراد متمول را سرمایه دار که خون مردم را میکده‌اند و یا اینکه از راه غیرمشروع ثروت اندوخته‌اند می‌دانند و در مقابل فقر را ممدوح می‌دانند. شهید مطهری این رویکرد را انحرافی دانسته‌است در فضای رسانه‌ای ما هم این رویکرد متأسفانه تقویت می‌شود در فیلمها افراد متمول دچار مشکلات عدیده می‌شوند و افرادی که متدین هستند عموماً زندگی متوسط اقتصادی دارند در حالیکه دین به شدت فرد مؤمن را هم به قدرت دعوت می‌کند هم به ثروت اما جهت، جهت الهی است خواست، یک خواست الهی است.

شهید مطهری معتقد است ما در فهم بیانات امیرالمؤمنین درباره مذموم شمردن دنیا دچار اشتباه شدیم آنچه که مذموم است دنیاگرایی به سبک طلحه و زبیر است وگرنه ما در تمام حیات امیرالمؤمنین فعالیت‌های اقتصادی متعددی را سراغ داریم. در سبک زندگی امام صادق علیه السلام ائمه دیگر نیز به همین شیوه برمی‌خوریم منتها ما فقط از حضرت امام علی ایسن را نقل می‌کنیم که کنج محراب بود از دنیا پرهیز می‌کرد اول کتاب مکاسب الروضه البهیه شهید ثانی با بحثی شروع می‌شود مبنی بر تشویق اصحاب توسط پیامبر سلام… علیه وآله به اکتساب حلال و بیان این نکته که رزق حلال ۱۰ قسم است که ۹ تای آن در تجارت است نه در کارمندی یا معلمی و از این قبیل یعنی فرهنگ اقتصاد اسلامی مردم را تشویق به تجارت و کارآفرینی در این حوزه می‌کند. البته ما برای تمسک به سبک زندگی اسلامی لزوماً باید به این روایات و سبک زندگی پیامبر و اهل بیت علمیم السلام در حوزه

وقت است که دیگران جذب این دین می‌شوند و در این میان وقف برای تبلیغ سبک زندگی اسلامی دست پری دارد به واقع می‌توان گفت بین وقف و سبک زندگی اسلامی یک تعاطی شکل می‌گیرد و یکدیگر را به صورت مستقیم، بی‌بدیل و مؤثر تقویت می‌کنند. یکی از تابلوهای اصیل و درخشان در سبک زندگی اسلامی که عامل تقویت‌کننده آن نیز هستست مسئله وقف است در واقع ما با گسترش وقف و موقوفات می‌توانیم دینداری مردم را تقویت کرده از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کنیم. در پژوهش در دانشگاه تهران دیدم سطح دینداری اهالی شهرها و روستاها با تعداد موقوفه‌های آن شهرها و روستاها ارتباط مستقیمی دارد در واقع مردم این مناطق از کودکی با امکانی در ارتباط هستند در اساس فرهنگ دینی به عموم مردم خدمات می‌دهند بررسی کرده‌اند و نتیجه این بوده که مردم این مناطق دیندارتر بوده‌اند به عبارت دیگر هر کدام از این دو مفهوم دیگری را باز تولید می‌کند.

***به عنوان سوال پایانی فکر می‌کنید مهمترین عامل تشویق مردم به امر وقف و ترویج این فرهنگ چیست؟**

ما الان دچار گذار و دچار بحران هویت هستیم. سبک زندگی ایرانی اسلامی بیشتر روی کاغذ است نه در آموزش و پرورش و نه در دانشگاه به طور جدی به آن پرداخته می‌شود. مبانی و اصول اصلی محل هجمه است چه برسد به اینکه ما به نتایجی به اسم وقف برسیم و اگر امروز احساس می‌شود به اندازه گذشته به وقف توجه نمی‌شود یکی از مهمترین دلایلش همین است؛ چرا که ما گفتیم رابطه وقف و سبک زندگی اسلامی یک رابطه کاملا مستقیم است خانواده ما آن چنان دغدغه تربیت فرزند دیندار با کیفیت را ندارد. طبیعتاً همه این عوامل سبب می‌شود آن به اصطلاح بچه مسلمان با کیفیت پرورش نیابد که بعد او در اجرای سبک زندگی اسلامی وقف را مد نظر قرار دهد اما نکته دومی در این بین هست و آن اینکه متولی امروز امر وقف در جامعه امروز ما خوب عمل نکرده است هرقدر اوقاف در مدیریت موقوفه‌ها از شفافیت بیشتری برخوردار باشد اقبال مردم به وقف بیشتری می‌شود و در حال حاضر این امر کمرنگ است و این کمرنگ بودن شفافیت اگر نگوئیم ضد تبلیغ است حداقل تبلیغ فرهنگ وقف نیست. من معتقدم اگر اوقاف به این امر توجه کند مطمئناً مردم اقبال بیشتری در این زمینه خواهند شد البته شاید این مسئله ضعف در تبیین باشد تا عدم وجود شفافیت. اما من معتقدم اوقاف اگر می‌خواهد فرهنگ وقف تریح پیدا کند باید شفاف باشد و این شفافیت را در معرض دید مردم قرار دهد.